

مقالات

سیاست اقتصادی ایران و نتایج آن

بقیه از شماره ۱۱

طرق حمایت از مؤسسات کشاورزی یا صنعتی ملی

پنجم آقای حسن صفوی دکتر در علوم اقتصاد
لیسانس در حقوق و علوم تجاری

بهای تمام شده کالا های خود در مقابل موازین خارجی مقاومت نمایند مسلم است برای تنزل بهای تمام شده مجبور هستند که سازمان کارخانه و افراد کار خود را تغییر داده و رو بشکامل بپسوند.

و این عمل نیز به نفع کشور تمام خواهد شد. بطوریکه مشهود است غلت برتری در کشاورزی کشور های دانمارک و بلژیک تنها نفوذ و دخالت مولدی خارجی است که آزادانه در آن کشورها صورت میگیرد و موجب ترقی این صنعت در آن دو کشور شده است.

پس بطوریکه دیدیم سیستم حمایت گمرکی تولید داخلی کشور را در حال رکود قرار داده و به نفع عمومی ملت و مصرف کننده خدشه وارد می آورد در صورتیکه حمایت بطریق اعانت مستقیم و یا جایزه منافع عمومی را در نظر گرفته و به علاوه عامل محرک رقابت خارجی و حافظ منافع کشور میباشد دلیل دیگر برتری سیستم اعانت و جایزه بر حمایت گمرکی آنستکه در سیستم اخیر الذکر تولید کنندگان ملی از اعانت مصونیت از رقابت خارجی میتوانند با یکدیگر متحد شده تشکیل سندیکا بدهند و بهای عمومی کالا را بالا برند و چون قیمت ها در دست آنها انحصاری است لذا با سوء استفاده از موفقیت خود تحمیل زیادی بر مصرف کننده نمایند در صورتیکه در سیستم اعانت و جایزه این تحمیل و سوء استفاده ممکن نیست زیرا در این سیستم رقابت تولید کنندگان خارجی در داخله کشور موجب میشود که در بهای بازار داخلی نظم و تناسبی ایجاد شود.

اصولا هر گونه تجدیدی در آزادی واردات جز در موارد استثنائی موجب اغتشاش عمیق در زندگانی اقتصادی ملت میشود بعضی از مواد که گران میشوند از مواد اولیه هستند که برای تولید مورد ضرورت فوق العاده میباشد بعضی دیگر موادی هستند که مورد احتیاج و مصرف فوری مردم میباشد و گرانی بهای مواد اخیر الذکر انعکاس مستقیمی روی بهای زندگانی خواهد کرد و بدون شك مزد بالا رفته متناسب با بهای زندگی خواهد شد یعنی بهمان نسبت بالا میرود و بالتبعه مشکلاتی که موجب يك سلسله معرومیت ها میشود ایجاد خواهد کردید.

بهر حال بالا رفتن میزان فرد در شرائط تولید و استخراج صنایع تأثیر نموده و بهای محصولات صنعتی تحت نفوذ آن

در سیستم اعانت طرق مختلفی وجود دارد که بوسیله آن میتوان این سیستم را در هر مورد مخصوص اعمال نمود تا فقط مؤسسات یا کارخانه هایی که به تنهایی استحقاق بهره مند شدن تحت حمایت قرار گرفتن را دارند استفاده کننده مثلا اعانت دولت را میتوان تنها برای مؤسساتی که تاسیس آنها از ده سال کمتر است تخصیص داده دولت برای حمایت این نوع مؤسسات صنعتی یا کشاورزی که نازه تشکیل شده و غرض آنها تزئید تولید یا اقدامی بنفع اقتصاد کشور است و از لحاظ جدیدالتاسیس بودن قادر بمقاومت در مقابل مؤسسات قوی خارجه نیستند مبالغی در بودجه خود تخصیص میدهد و همینکه این مؤسسات بقدر کافی قوت مالی و تجربیات لازم بدست آورند دولت از حمایت خود دست خواهد کشید لیکن ممکن است که مؤسسات صنعتی یا کشاورزی نامبرده در مدت معینی که با کمال دقت از طرف دولت تعیین گردیده قادر نشوند در مقابل رقابت مؤسسات خارجی مقاومت و عرض اندام نمایند در اینحال دولت نیز دست از حمایت و اعانت خود خواهد برداشت زیرا معلوم میشود که ضعف آن مؤسسات از لحاظ بدی سازمان و عدم قدرت فکری و صلاحیت مؤسسات آنها بوده و دولت صلاحیت ندارد که برای رفع آن اشکالات مداخله نماید طریق دیگر برای تعیین و تشخیص مؤسساتی که محتاج بحمايت هستند نیز بین مؤسسات صنعتی یا کشاورزی است باعتبار اهمیت و مقدار تولید آنها. مثلا دولت پس از تعیین درجه ضعف و قوت مؤسسات صنعتی حداکثر حمایت و کمک را بمؤسسات ضعیف تر تخصیص میدهد.

مزایائی که در بالا برای سیستم اعانت مستقیم دولت بصنایعی که تحت حمایت او باید قرار گیرد ذکر کردیم شامل سیستم جایزه برای تولید که آن نیز وسیله کمک بتولید کنندگان ملی است میباشد.

در هر حال در هر يك از این دو مورد تولید ملی تحت تاثیر رقابت تولید کنندگان بین المللی خواهد بود و ما بخوبی میدانیم که در نتیجه رقابت صنعت و کشاورزی از حیث چونی و چندی ترقی خواهد نمود و از ترقی فاحش و غیر عادی بها نیز جلوگیری خواهد شد.

هر گاه در کشوری که صنایع آن مثلا تحت حمایت مستقیم دولت قرار گرفته تولید کنندگان ملی نخواهند با یائین بردن

بعلاوه بعکس جایزه برای تولید جایزه برای صادرات فقط بنفع قسمتی از صنایع یا کشاورزی ملی که برای صادرات تخصیص داده میشوند تمام میشود.

جایزه برای صادرات گاهی بیک نتیجه غیر عادی هم میرسد بدین معنی که مصرف کنندگان کشوری که در آن کالا تولید میشود آن محصول را گرانتر از مصرف کنندگان همین کالادر کشور خارجی خریداری مینمایند و این وضعیت از اینجا ناشی میشود که صادر کننده با دریافت جایزه میتواند در بازار خارجی در مقابل تولید کنندگان دیگر رقابت نموده و کالاهای خود را ارزانتر بفروشد برساند.

البته تا حدی هم غیر منطقی بنظر میرسد که مردم یک کشور وجوهی بعنوان مالیات بدولت پرداخته و باو اجازه دهند آن وجوه را بعنوان جایزه به محصولاتی که در آن کشور تولید میشود بپردازد تا صاحبان کالا بتواند کالای خود را صادر نموده در بازار خارجی بر مردم بیگانه ارزانتر بفروشد و در حقیقت بدین طریق استفاده بیگانگان بر مردم کشور تولید کننده تحمیل شود.

سابقاً در فرانسه برای صادرات قند بطریق نامبرده بالا جوائزی معین گردید و اثرات آن نامطبوع بود بدین معنی که در خاک فرانسه یعنی آنجائی که قند تولید می شد قیمت یک کیلوگرم آن ۳ فرانک بود در صورتی که در انگلستان یعنی کشوری که قند فرانسه بدانجا وارد میشد قیمت یک کیلوگرم قند ۳۴ فرانک بود.

البته صحیح است که از زیاد قیمت قند در فرانسه ناشی هم نتیجه بالا بودن میزان حقوق گمرکی روی قند خارجی که وارد خاک فرانسه میشد بود لیکن جایزه برای صادرات در تعیین بهای اثرات خود را بخشیدم بود.

بهر حال این اصل اقتصادی مسلم است که از زیاد و افراط در صادرات هر کشور موجب گرانی بهای در بازار داخلی تولید کننده میشود که این وضع نتیجه موجب تقلیل عرضه و بالارفتن بهای می گردد.

علاوه بر وسائلی که برای حمایت صنایع کشاورزی ملی بدون لزوم وضع حقوق گمرکی ذکر شد طرق مفید دیگری نیز وجود دارد که بطور مثال ذکر میکنیم:

از آن جمله الزام صنایع داخلی است با استعمال کلی یا جزئی مواد اولیه ملی - این سیستم در فرانسه و بلژیک و اسپانیا اجراء شده و عیب آن در اینجا است که دولت مجبور میشود در حقوق و فعالیتهای خصوصی مداخلاتی بنمایند چنانچه در فرمان ششم اوت ۱۹۲۷ که مربوط بسازمان صنعت ذوغال

قرار خواهد گرفت و البته مواد صنعتی تولید شده در بازارهای داخلی نخواهند توانست در مقابل کالا های خارجی رقابت نمایند.

اما در سیستم جایزه برای تولید و اعانت که حمایت مستقیم تلقی میشود چنین انعکاسی که در اعماق اصول اقتصادی یک ملت تأثیر سوء داشته و آن را منززل سازد وجود ندارد.

حقوق گمرکی که از لحاظ حمایت صنایع داخلی اخذ می شود اثرات ویژه در قدرت رقابت در بازار بین المللی دارد و چون نتیجه این آثار بضرر بازرگانان و مولدین تمام میشود لذا اقدامات ویژه برای جلوگیری از این آثار و حفظ و بقاء رقابت تقریباً در تمام کشورها بعمل آمده است.

مثلاً مولدین ملی که میخواهند مواد تولید شده را در بازار خارجی بفروشند هرگاه مجبور باشند مواد اولیه را از خارج وارد کشور نمایند و از لحاظ وجود حقوق گمرکی بهای مواد اولیه برای آنها گران تمام شود بالنتیجه قیمت تمام شده کالای زیاد خواهد شد در این صورت برای فروش در بازار خارجی باید تخفیفی در بها قائل شده و تحمل هرگونه ضرری را بنمایند.

البته مولدین خارجی در چنین موردی چون مواد اولیه را ارزان تر بدست آورده اند و بهای تمام شده کالا برای آنها کمتر است با دست اول رقابت نموده موفقیت نصیب این دسته خواهد شد.

برای جلوگیری از این وضعیت یعنی تحمیلی که وجود حقوق گمرکی حمایتی بر مواد اولیه وارد بسازد طرق مختلفی پیشنهاد شده که از آن جمله - رد حقوق گمرکی les Draus Backs (listeurnes) و معافیت از حقوق گمرکی les admissions en franchise temporaire میباشد ولی اشکال این وسائل آنست که اغلب در اجرای آنها افراط و تفریط استناد میشود بدین معنی که ممکن است عوارض گمرکی بکالاهائی که استحقاق استرداد دارد رد نشود و یا عده از صادر کنندگان بدون استحقاق جوائز مخفیانه دریافت نمایند و البته این ترتیب معایبی دارد.

بهر حال با آنچه که قبلاً ذکر کردیم تردیدی نیست که سیاست حمایت صنایع داخلی کشور بطریق اعانت و جایزه برای تولید بدرجات بهتر از سیستم حمایت از راه از زیاد حقوق گمرکی است با اینهمه حمایت مستقیم نیز معایبی دارد که نمیتوان از خاطر دور داشت.

مثلاً بطوریکه دیدیم مزیت جایزه بر صادرات آن است که میزان وجوهی که باید برای جایزه تخصیص داده شود و در بودجه کشور ثبت میشود قبلاً معلوم است لیکن وجود این مبلغ و مصرف نمودن آن بعنوان جایزه انعکاس غیر مستقیمی روی بهای کالا در بازار ملی دارد و تحمیل آن بر مصرف کنندگان ملی است.

در آسیایا بوده دولت آسیایا در واقع برای خود يك حق قبومت خفیفی قائل گردید .

بطوریکه گفتیم طرق حمایت مستقیم یعنی بدون حقوق گمرکی هر قدر هم که دارای مزایا و فوایدی باشد بی عیب و خالی از تقصیر نیست .

از جمله نواقصی که اصولاً حمایت مستقیم داراست آن است که دولت یا پارلمان و یا اداره که میخواهد مزایا و جوایزی برای صنایع داخلی قائل شود باید بتواند بخوبی استحقاق آن رشته از صنعت و یا کشاورزی را که میخواهد مورد حمایت قرار میگیرد تشخیص بدهد و البته این تشخیص خالی از اشکال نیست چه پس دشوار بنظر میرسد که بتوان قبل از آنکه آيا فلان صنعت که مداخله و کمک دولت را تقاضا دارد استعداد دارد پس از طی چند سال که تحت کمک واعانت دولت قرار گرفت قادر شود آزادانه کار کند و در مقابل رقابت خارجی استقامت نماید .

بعلاوه ممکن است نمایندگان پارلمان تحت نفوذ منتخبین خود قرار گرفته و بدون توجه به منافع حقیقی کشور تصمیماتی بر له یا علیه صنایع نامبرده اتخاذ نمایند .

اشکال دیگری در اینجا است که اغلب عمل دولت در مورد حمایت مستقیم وسیستم اعانت غلط میشود مثلاً در سال ۱۹۲۵ دولت انگلستان برای صنعت استخراج ذغال مبالغی بعنوان اعانت تخصیص داد و اجرای امر با اشکالاتی مواجه گردید بدین معنی که عمده جائز با اشتباه انداخته شرایط کار را دچار تغییراتی نموده و بالنتیجه موجب حدوث اختلافاتی گردید .

از طرف دیگر در شرایط تخصیص اعانت و جوایز اشکالات عملی موجود است مثلاً در مورد جایزه برای تولید ممکن است تولید کنندگانی که استحقاق استفاده از این جوایز را دارند مقدار تولید حقیقی را کتمان نموده و اضافی بر آن اعلام نمایند .

برای آنکه جایزه بیشتری اخذ کنند و البته برای دولت بازرسی در این موضوع مشکل است بدین لحاظ اغلب میزان جایزه را بنسبت ظرفیت تولید تعیین مینمایند و آن ظرفیت ممکن است باعتبار افزار کار که مورد استعمال میباشد تعیین گردد . و یا بنسب سطح زمینی که مورد کشاورزی قرار گرفته و غیره مثلاً برای صنعت ابریشم در فرانسه جوایزی بکارخانجات ریشمان باقی تقسیم میشود این جوایز موجب اعتراضات شدید گردید و این وضعیت نتیجتاً موجب شد کارخانجات ریشمان باقی که افزارهای از کار افتاده داشتند مزایایی تحصیل نمایند . اعانات نقدی و جوایزی که دولت بخواهد بپردازد ممکن است موجب شود که عمده جات و کارگران ناراضی شده

حداقل مزدی برای خود تحصیل کنند. ادعای اعانات در این مورد ممکن است تا حدی منطقی بنظر میرسد زیرا وقتی که مؤسسات صنعتی تحت حمایت دولت وجوهی دریافت و منافع جالب توجهی تحصیل نمایند عادی است که کارگران نیز تا حدی مایل خواهند شد از آن کمک استفاده نمایند و برای خود حداقل مزدی را تضمین کنند و بزه آنکه مداخله دولت چنانکه در پیش گفته شد همیشه بنفع صاحبان سرمایه است و همین لحاظ است که اغلب در حدود مداخلات دولت و طریق اعطای اعانات مشکلات تازه نیز ایجاد میشود .

در هر حال با کلبه مزایاییکه برای حمایت مستقیم یعنی حمایت از صنایع داخلی بدون وضع حقوق گمرکی بیان کردیم با اینهمه این نوع حمایت کمتر مورد عمل قرار گرفته است و علت آن اینست که در این نوع حمایت جلب موافقت دولت و مساعدت اشخاص ذینفع دچار اشکال میشود . عدم موافقت حکومت از این لحاظ است که ثبت مبالغی هزینه در بودجه کشور بعنوان جایزه در اذهان زنده جلوه میکنند و گرچه حمایت بطریق حقوق گمرکی تحصیل بزرگی ممکن است بر کشور باشد ولی باید تصدیق نمود که این تحصیل آشکار نیست در صورتیکه هزینه که باید دولت برای اعانات و یا جوایز بپردازد تعبیه است ظاهر و آشکار و وزراء دارائی چنانکه میدانیم بیشتر مایلند وجوهی بدست آورند تا آنکه مبالغی بخرج گذارند .

راست است اعانات نقدی که از روی دقت و مطالعه به مؤسسات صنعتی یا کشاورزی که دارای استعداد و صلاحیت بوده اعطا میشود بالمآل موجب ازدیاد تولید محصولات خواهد شد که قابل پرداخت حقوق گمرکی و غیره بوده و بالنتیجه خزانه عمومی از آن بهره تحصیل خواهد نمود لیکن این نتیجه پس از مدت مدیدی بدست خواهد آمد در صورتیکه هزینه اعانات و جوایز نقدی و تحصیل آن بر بودجه کشور فوری است و متأسفانه در اداره دارائی عمومی توجه به مشکلات آنی بیشتر از استفاده های مادی و معنوی آنی اهمیت دارد .

با این همه طرق حمایت مستقیم یعنی حمایت بدون حقوق گمرکی باید مورد نظر و توجه ویژه قرار گیرد چه هر چند آن طرق دارای نواقصی هستند ولی اغلب آنها بالنسبه به حمایت بوسیله اخذ حقوق گمرکی مزایایی دارد و در هر صورت این نوع حمایت بشرط توجه باوضاع و احوال اقتصادی هر صنعت در موارد معینه باید بر حمایت گمرکی ترجیح داده شود و در هر مورد که بنظر دولت برای حفاظت از صنایع و یا کشاورزی ملی حمایتی لازم بشود دولت باید از مجلس تقاضای مساعدت نموده و با فشاری لازم موافقت نمایندگان ملت را با اعانت و کمک به مؤسسات صنعتی و یا کشاورزی ملی استحقاق آنرا دارند جلب نماید . **ناتمام**